

دانلود مقاله نقش معماری معاصر (پس از انقلاب اسلامی) در ارتقاء فرهنگ

جهت مشاهده [دانلود مقاله نقش معماری معاصر \(پس از انقلاب اسلامی\) در ارتقاء فرهنگ](#) به پایین همین

صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 14 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



چکیده

معماری، تصویر تمام نمای فرهنگ هر جامعه ای است که رابطه ای نزدیک با وضعیت ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه دارد. مردم هر جامعه نیز در معماری خود به دنبال بهره گیری از مادیات برای بیان ارزش ها و اعتقادات خود هستند. در اینصورت می توان گفت تغییر در سبک معماری باعث دگرگونی در نگرش های اجتماعی و فرهنگی می شود و آنچه که به عنوان معماری نامیده می شود، بگونه ای نمودی از فرهنگ است که در کالبد معماری نمایان شده است. محیط و فرهنگ تاثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند و معماری به عنوان کالبدی که انسان را در برمی گیرد، در فرهنگ وی بسیار تاثیر گذار است و از اینرو نقش معمار به عنوان زمینه ساز تغییرات فرهنگی در کاربران انکار ناپذیر می نماید. در این مقاله تاثیر معماری پس از انقلاب اسلامی ایران به عنوان بخشی از قلمرو محیط مصنوع بر روی ارتقاء سطح فرهنگ جامعه بررسی شده و ریشه های تاثیر محیط بر انسان و رابطه میان معماری و فرهنگ، با ذکر نمونه هایی در این بازه زمانی، مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نهایت توصیه هایی به عنوان نتیجه گیری ارائه خواهد شد که اهداف آن می تواند رسیدن به عوامل ایجاد محیطی مصنوع در جهت اصلاح وضع موجود و ارتقای کیفی محیط بگونه ای که ضمن امحاء تاثیرات منفی فرهنگی بتواند به عنوان عامل ارتقای فرهنگی نیز ایفای نقش نماید.

واژه های کلیدی: فرهنگ، معماری معاصر، محیط زندگی، انقلاب اسلامی ایران، ارتقاء کیفیت.

۱- مقدمه

فرهنگ پدیده ی پیچیده ای است که درباره ی آن؛ از منظر رویکردهای مختلف، تعاریف بسیاری ارائه شده است. از جمع بندی تعاریف گوناگون، چنین بر می آید که فرهنگ از سه رکن اصلی و مرتبط با یکدیگر تشکیل شده است که عبارتند از: ارزش ها، هنجارها و چیزهای مادی. فرهنگ هر جامعه ای، از طریق مظاهر ملموس و مادی خود نظیر زبان، هنر و معماری نمود می یابد.

معماری به عنوان ظرف زندگی انسان و تصویر تمام نمای فرهنگ هر جامعه ای است که رابطه ای نزدیک با وضعیت ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه دارد. مردم هر جامعه در معماری خود به

دنبال بهره‌گیری از مادیات برای بیان ارزش‌ها و اعتقادات خود هستند. در این صورت می‌توان گفت تغییر در سبک معماری باعث دگرگونی در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در کشور ایران، تبلور فرهنگی معماری سابقه‌ای کهن دارد. آنچه که به عنوان معماری نامیده می‌شود، بگونه‌ای همان نمودی از فرهنگ است که در کالبد معماری نمایان می‌گردد.

این مقاله با فرض اینکه معماری، مظهری کامل از فرهنگ انسانی است، می‌کوشد تا با استفاده از روش تحقیق مطالعه موردی، سیر تطور تأثیرپذیری فرهنگ از اثر معماری را در آثار معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در این مسیر، ابتدا با نگرشی تحلیلی-تاریخی، ویژگی‌های بارز معماری ایرانی بازشناسی شده و روش‌های بازنمود آنها در آثار این دوره مورد نقد قرار می‌گیرد.

۲- فرهنگ:

واژه‌ی فرهنگ، از مناظر گوناگون، تعاریف مختلفی یافته است. هرچند ممکن است فرهنگ تعریف‌ی میان حوزه‌ای و مشتمل بر کلیت ساختاری داشته باشد، اما تفکیک و تمایز میان حوزه‌های تعریف، باعث می‌شود که جایگاه بحث‌ها و جهت‌گیری‌های آتی ماکاملاً مشخص شده و مسیرآزایی آن برای منتقدان، هموارتر گردد.

اولین کاربرد واژه‌ی فرهنگ در انگلیسی مربوط به پرورش حیوانات و به عمل آوردن محصولات زراعی بود و همچنین با مفهوم عبادات دینی ارتباط داشت. از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم، فرهنگ کم‌کم به معنای بهبود و اصلاح جامعه در کلیت آن نیز به کار رفت و به منزله نوعی معادل ارزشی برای تمدن استفاده شد. با ظهور مکتب رمانتیسیم در دوره انقلاب صنعتی واژه‌ی فرهنگ برای سنجش رشد معنوی به کاررفت اما با ظهور ملیت‌گرایی رمانتیک در قرن نوزدهم، تعریف تازه‌ای از واژه‌ی فرهنگ ظاهر شد که تأکید خود را بر سنت و زندگی روزمره به عنوان ابعاد فرهنگ می‌نهاد.

این تحولات گوناگون تاریخی به نحوی مبهم در سه نوع کاربرد رایج اصطلاح فرهنگ انعکاس یافته است:

- اشاره به رشد فکری، روحی و زیبایی‌شناختی فرد، گروه و جامعه به این معنی که فرهنگتقریباً معادل با تمدن و پیشرفت اخلاق فردی و جمعی در نظر گرفته می‌شود.
- دربرگرفتن تعدادی از فعالیت‌های ذهنی و هنری و محصولات آنها (فیلم، هنر و تئاتر). فرهنگ در این کاربرد کمابیش معادل با هنرهاست.
- برای مشخص کردن کل راه و رسم زندگی، اعمال، فعالیت‌ها، باورها و آداب و رسوم تعدادی از مردم، یک گروه یا یک جامعه (اسمیت، ۱۳۸۳).
- در پژوهش‌های اخیر، تعریف دیگری نیز به تعاریف فوق‌افزوده شده است. در این تعریف که رویکرد روان‌شناسی به فرهنگ نام دارد، فرهنگ یکی از پایه‌های اصلی زندگی روانی انسان‌ها شناخته شده است. به بیان دیگر، ادراک انسان از محیطی که دور و برش است، تابع فرهنگ اوست.

فرهنگ از منظر افراد دیگر، تعاریف متفاوتی یافته است، به بیان‌گیدنز در بهترین حالت می‌توان فرهنگ را به مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی تعریف کرد (احمدی، ۱۳۸۳). شیوه‌های خاص زمانمند و فضا مندی که در وضعیت واقعی تعریف شده باشند. این شیوه‌های زندگی از سه رکن اصلی تشکیل شده‌اند، ارزشها (که مردم آنها را حفظ می‌کنند)، هنجارها (که مردم آنها را تبعیت می‌کنند) و چیزهای مادی (که مردم آنها را به کار می‌گیرند؛ از کالاها تا سیستم‌های حمل و نقل تا

ساختمان ها و تسهیلات شهری) این سه رکن اصلی فرهنگ در ارتباط کامل با یکدیگر قرار دارند. (همان). درگیری مداوم فرهنگ با عناصر مادی، جریان فرهنگی را یک جریان بی وقفه تغییر و تعدیل سیستم های ارزشی پیشین و تفسیر و تطبیق سیستم های ارزشی نو ساخته است. از این رو فرهنگ ها ثابت نبوده و دائماً در حال انتقال و تغییرند. گوناگونی و تمایز، ویژگی اصلی فرهنگ های معاصر است.

یکی از معانی شگرف فرهنگ در زبان فارسی، تعبیر آن به قنات و کاریز است. صاحب واژه نامه فرهنگ که به تازی فرهنگ گویند، کاریز، قنات و دهانه آن ...»: برهان قاطع در تعریف فرهنگ می گوید با گشتی به گذشته و گ ذری بر زیست - بوم خشک فلات مرکزی ایران زمین، و توجه به اختراع. « است منحصر به فرد قنات، در می بابیم که فرهنگ یعنی آشکار نمودن و شکوفا ساختن استعداد های نهفته ی و درونی؛ و آن ملتی با فرهنگ است که استعداد های درونی را پیدا و هویدا سازد. نمایان ساختن استعداد های نهفته ی انسان و محیط، توسعه و پیشرفت را به دنبال خواهد داشت. با این نگرش، به این حقیقت دست می یابیم که توسعه بدون فرهنگ میسر نخواهد شد (فلاحی، ۱۳۸۲).

۱-۲- وضعیت فرهنگی کشور در سال های بعد از انقلاب اسلامی

برای ارزیابی اجمالی وضعیت فرهنگی کشور در سال های بعد از انقلاب، کافی است به یکی از مصوبات «شورای انقلاب فرهنگی» در اوایل فرهنگ کشور نفی و تقبیح شده و نسبت به خطر گسترش آن بصورت اخلاق اجتماعی هشدار داده شده است. معنی این امر آن است که دولت مردان و صاحبان فکر و اندیشه شاهد و نگران فراگیر شدن این صفات به عنوان یک ارزش و هنجار مسلط در جامعه می باشند (کاظمی، ۱۳۷۶)

۳- معماری ایران پس از انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است؛ شکل گیری انقلاب ناشی از تحول و رشد فرهنگی جامعه و روی آوردن اقشار مختلف- به ویژه قشر های جوان و فرهنگی جامعه- به ارزش های اسلامی بوده است و آرمان اصلی انقلاب هم تحقق جامعه ای نمونه و برخوردار از شاخص های رشد و تعالی انسانی و اسلامی است (پرسمان، ۱۳۸۴). جریان هویت طلبانه ای که از اواخر دهه ۱۳۴۰ در معماری نیز بروز یافته بود، با وقوع انقلاب اسلامی جانی تازه یافت و فضای حاکم فکری آن روزگار، که سرشار از مطالبات حق طلبانه ای نظیر تمایل به حاکمیت بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور بود بر تمامی بخش های فرهنگی جامعه و به تبع آن بر معماری تأثیری ژرف نهاد. گرایش های هویت طلبانه در این دوره به سمت هویت طلبی دینی جهت گرفت و سعی کرد تا مفاهیم معماری و شهرسازی اسلامی را احیاء نماید (انصاری، ۱۳۸۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، معماران ایرانی، تحت تأثیر دو پدیده ی موازی قرار داشتند. اولین تحول تأثیر گذار در این دوران، اندیشه ها و کارهای ساخته شده ی پیشگامان نسل دوم بود که سودای آشتی دادن معماری مدرن با سنن و فرهنگ ایرانی را در سر می پروراندند، و دومین جریان تأثیر گذار که ریشه در تمدن و فرهنگ غرب داشت، واز جریان اول نیز پررنگ تر و تأثیرگذار تر بود، آشنایی معماران ایرانی با جنبش پست مدرن کلاسیست (پومو)، که بین دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی در معماری اروپا و آمریکا شکل گرفت و جریانان معماری پست مدرن دهه ی ۹۰ میلادی بود. معماران بعد از انقلاب اسلامی، که کار این معماران طیف وسیعی از گرایش ها و جنبش های هنری را شامل می شود، سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد داشته اند و در مواردی، عمدتاً کارهای متاخریت نسل دوم معماران معاصر ایران بخصوص فارغ التحصیلان دانشگاه تهران، در راستای میراث فرهنگی و معماری خودی بوده است.

گرایش های معماری بعد از انقلاب اسلامی را می توان در هشت گروه بصورت شماتیک دسته بندی نمود: ۱- احیای عین به عین - ۲ بوم گرایی

۳- گرایش تفننی به سبک های معماری غربی

۴- تداوم مباحث معماری مدرن متعالی

۵- تلفیق مفاهیم و عناصر معماری ایرانی

۶- گرایش به تکنولوژی برتر

۷- گرایش به معماری نئو مدرن

۸ - معماری کامپیوتری (بانی مسعود)، (۱۳۹۱)

۴- رابطه فرهنگ و محیط

فرهنگ و تمدن از طریق ایجاد ارتباط با محیط و برخورد با سایر فرهنگ ها صیقل می خورد و به زندگی شاداب و پویایی خود استقرار می دهد . حال اگر به هر دلیل مانعی در مقابل این ارتباط برقرار شود، فرهنگ به عنوان عنصر حیات بخش تمدن به حال رکود و خموشی و خفتگی در می آید، و این مرحله انحطاط است. در عصر ارتباطات، فرهنگی که در مبادله با محیط نباشد محکوم به زوال است. عرصه فرهنگ نه تنها از طریق مبادله و دادوستد با محیط، ماندگار و پویا می شود بلکه هویت خود را نیز از این طریق کسب می کند. فرهنگ ایرانی با عناصر و اسباب خاص هویت آفرین خود، زمانی معنی و مفهوم پیدا می کند که در عرصه ای گسترده تر، ارزش های خویش را مطرح کرده و در چالشی تنگاتنگ با ارزش های دیگر، قدرت، صلابت، استحکام، جسارت، خلاقیت، مداومت و دیگر صفات و ویژگی های پویای خود را به ثبوت برساند.

فرهنگ در سیر تطور خود، در برخورد با محیط در یک داد و ستد مستمر قرار می گیرد. در این مبادله آنچه را که مطلوب و قابل هضم است می گیرد و آنچه که دیگران خریدار و خواهان آن هستند می دهد. در این عرصه، معمولا فرهنگ های پویا و زنده که دارای ارزش های جذاب و فراگیر هستند، زمینه مساعد تری برای مبادله دارند. طبیعی است که فرهنگ ها هر چه بارزتر و حاوی ارزش های جهان شمول تر باشند، قابلیت و ظرفیت بالاتری برای صدور یا القا ارزش های خود دارند (کاظمی،، ۱۳۷۶)

۴-۱ فرهنگ، فضا و معماری

برای درک رابطه ی فرهنگ و معماری، ابتدا به رابطه ی فضا و فرهنگ اشاره می کنیم . فضا نیز همچون فرهنگ دارای ساختی اجتماعی است که در جریان شکل دهی به تصور مردم از خودشان ساخته می شود. فضا در تقویت و تحول فرهنگی نقش اساسی دارد، زیرا الگوهای رفتاری مورد انتظار در داخل فضای خاص، ارزش های فرهنگی خاصی را منعکس می سازد. این تعریف، دلالت بر ساخت فضایی ذهنی دارد . تأثیر پذیری از فضای ذهنی، در محدوده ی فضای عینی و کالبدی، قابل درک می شود. معماری، عمل سازماندهی فضای ذهنی و عینی، به صورت در هم پیوسته است.

طرح رابطه ی فرهنگ و معماری به ویژه در حوزه ی روان شناسی، نیاز توجه به رابطه ی انسان با محیط مصنوع خویش را روشن می سازد . با این نگرش، فرهنگ، عامل یا مسیر ارتباط انسان با محیط مصنوع است و بر دو دسته از عوامل محیطی دلالت دارد:

الف - رفتارها، اندیشه ها و احساسات استاندارد شده

ب- محصولات‌ی که نتیجه یا وسیله‌ی تداوم رفتارها و تفکرات افراد در یک جامعه‌ی مفروض باشد. همچنین فرهنگ از دو راه بر شکل‌گیری فضای معماری مؤثر است:

۱- از طریق ایجاد قوانین و آداب رفتاری که منجر به بروز ساماندهی عملکردی و سلسله‌مراتب فضایی می‌شود.

۲- از طریق ایجاد خاطره‌ها، باورها و نشانه‌ها در قالب کالبدی سمبلیک، کهن‌الگوها و استعاره‌ها که باعث خلق معنا در فضای معماری می‌شود (شایان، ۱۳۸۶)

۵- مولفه‌های تأثیر محیط بر انسان

ادراک محیط براساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال و فضاها و عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آن‌ها دارد، یکی از اولین نتایج مرتبط بر تماس انسان با محیط می‌باشد. این ادراک سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت، احساس حقارت، احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس تفوق، احساس از خود بیگانگی و بسیاری احساسات و ارتباطات روانی را محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره‌ی رابطه‌ی ای است که اصول و ارزش‌های فرهنگی انسان با ارزش‌های نهفته و یا متجلی در محیط که در واقع همان ارزش‌های منبعث از جهان بینی سازنده محیط می‌باشند، برقرار می‌نماید.

معنا دار بودن محیط و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن انسان می‌نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن او متبادر می‌شود و نهایتاً تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی تأیید می‌شوند، بلکه این فرایند با روش‌های تجربی نیز به اثبات رسیده‌اند. بارزترین ویژگی‌های تأثیر گذار محیط بر انسان عبارت از نمادها، نشانه‌ها، تناسبات، صدا، نور، عملکردها و منشا آن‌ها می‌باشد، که این‌ها تنها وجه مادی و ظاهری بوده و اثرات ناشی از آن‌ها را در مقولاتی چون هویت، تشخیص، احساس تعلق به مکان، احساس راحتی، احساس امنیت، احساس حقارت و تذکر معانی معنوی روحانی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. بارزترین وجهی که می‌تواند این عوامل ظاهری و اثرات ناشی از آن‌ها را توأماً معرفی نماید، کیفیت فضا است. کیفیت فضا، همواره در مطالعات جایگاه ویژه‌ای را دارا بوده است، به نحوی که تأثیرات ناشی از کیفیت فضا به انسان، هم ارزش‌هایی را به انسان القا نموده و هم اینکه قادر به سوق او به انحطاط و تباهی می‌باشد. در واقع محیط می‌تواند با القای ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها جهت‌گیری فرهنگی جامعه را تعیین و هدایت نماید (نقی زاده، ۱۳۸۱)

بررسی و تحلیل تلاش معماران در این دوره از منظر فرهنگی، مستلزم شناخت کلید واژگان تحلیل است تا ما را از مبانی کالبدی و مادی بنا، به رهیافت‌های مفهومی مربوط به ساخت و شکل‌گیری بنا رهنمون شود در اینجا لازم است که این موضوعات با تفصیل بیشتری شرح داده شوند.

۵-۱ مصالح

مصالح به عنوان یکی از عناصر کلیدی، نقش مهمی در بازشناسی فرهنگی معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر عهده گرفته است. مهمترین عضو این گروه از مصالح، آجر است که در معماری معاصر ایران به عنوان سمبل استفاده و الهام از معماری سنتی پذیرفته شده است.

تحولات فناوری را در قالب دو جریان می توان در معماری این دوره مورد بازشناسی قرار داد. در موج اول، صنعت به خدمت می آید و دگرگونی در اندیشه موجب شکل گیری دگرگونی در معماری می گردد. در موج دوم، تکنولوژی نو مریدانی مخلص می یابد. کسانی که تکنولوژی روزآمد و ظواهر آنرا می پرستند. حاصل این جریان دگرگونی در صنعت است که به دگرگونی در اندیشه از نوع جدید می انجامد. فناوری، به عنوان مهمترین مظهر مدرنیسم، تقابل ویژه ای با مفهوم سنت در این دوره یافته است.

۲-۵- معماری سنتی، معماری بدوی، معماری بومی، معماری نمادین

واژگان فوق، بارها در ادبیات تحلیل معماری معاصر پس از انقلاب به کار گرفته شده است. شناخت صحیح تعاریف و کاربردهای هر یک، می تواند از تحلیل های نادرست جلوگیری کند. در معماری بدوی، هر کس قادر است با بهره گیری از مصالح و شیوه های ساخت بومی، خانه ی خود را بسازد. در معماری بومی، خانه ها توسط بنایان و بر اساس مدل های توسعه یافته و دارای معانی مشخص ساخته می شوند. این معماری مورد قبول اجتماع و تصویرگر ایده آلهای جامعه است. معماری سنتی، بیشتر بر کاربرد اصول تأکیدی می کند. این سنت می تواند بدوی، بومی یا مدرن باشد. به اشتباه، معماری سنتی تنها به گذشته نسبت داده می شود. معماری نمادین قصد دارد تا تأثیرگذار باشد و ارتباط عمیقی با مفهیم زیبایی شناسانه دارد. معماری نمادین پس از انقلاب، بیشتر بیانگر اغراق آمیز از توجه به فرهنگ بومی را نشان می دهد.

۴-۵- ساختار، هندسه

ساختار، بخشی از سیستم بیان مفاهیم فرهنگی در معماری است و هندسه، عامل ترکیب بندی معماری و ارتباط دهنده ی قسمت های مختلف ساختمان با یکدیگر است. معماری پس از انقلاب از طریق الهام از ساختار و هندسه ی معماری سنتی، نمودی فرهنگی یافته است.

۵-۵- استعداد مکان

توجه به استعداد مکان، به معنای توجه به روح آن مکان است. بهترین نمونه ها این روح را تسخیر و به صورت کیفیت های ذاتی درون چشم انداز یا فرهنگ ارایه می کنند. فرهنگ با مکان و محیط، ارتباط تنگاتنگ دارد. توجه به روح مکان و تأثیر آن در معماری، به احیای هویت ختم می شود.

۶-۵- کهن الگوها

معماری و در معنای عام تر تمامی هنرها، محل تجلی نشان ها و نمادهای فرهنگی و کهن الگوهای تاریخی می باشند. نماد های هنری ارتباط جهت دار و بی واسطه ای دارند. همچون نماد ها یک کار هنری باید قادر باشد تا تاثیر بی واسطه ای از خود نشان دهد. بنابراین باید به وضوح در یافت و فهمیده شود. از این رو هدف اصلی تولید فرم های انتزاعی، تحریم تمامی ارتباطات و استدلالهای مبهم با گذشته و بی بهره ساختن فرمها از معانی خاص منتسب به آنها و باز کردن دیدگاه جدیدی به سوی این فرم هاست. در معماری اسلامی ایران همواره با نمادها و کهن الگوهایی مواجه بوده ایم که فرآیند معناداری را در بیان معماری تکمیل می کردند، موضوعی که امروزه بیش از پیش به آن نیازمندیم.

۷-۵- فضا، تجربه ی فضایی

برای درک و سپس تحلیل معماری، توجه به جوهر و مایه آن، یعنی فضا اهمیت فراوان دارد. فضای معماری، با بررسی مفاهیمی سلسله مراتب، ضرب اهنگ، مقیاس، تعادل و توده درک می شود. نگاه فرهنگی به معماری پس از انقلاب، درموردی به باز نمود فضای معماری سنتی نسبت داده می شود. در چنین شرایطی، نگاه مفهوم گرا در مقابل نگاه فرم گرا اهمیت می یابد (شایان، ۱۳۸۶).

برای دریافت اینجا کلیک کنید

مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله بررسی سیاستهای توسعه بخش مسکن ایران از دیدگاه ظرفیت تأمین مسکن در بافتهای فرسوده درون شهری](#)
- [دانلود مقاله تأثیر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا بر معماری ایرانی](#)
- [دانلود مقاله بررسی مشارکت و جایگاه آن در تحقق پذیری طرحهای احیاء بافتهای با ارزش تاریخی](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)